سر مقاله

لبنان در آستانه یک جنگ ویرانگر داخلی

ادامه از صفحه۱

...همچنین حزب فالانژیست، کتائب، به رهبری سامی جُمَیّل و سرانجام ولید جنبلاط، رهبر دروزی های لبنان که اخیراً طی ملاقاتی با سمیر جعجع به مخالفان مقاومت پیوسته است. یادآوری کنیم که عربستان سعودی برای نفوذ خود در لبنان قبلاً روی جامعه تسنن در بیروت و خاندان حریری حساب می کرد، اما بعدا به دلائلی که شرح آن در این مختصر نمی گنجد، سعد حریری را از صحنه سیاسی لبنان کنار گذاشت و روابط خاصی را با سمیر جعجع مارونی برقرار کرد. بدیهی است که حمایت مالی از این گروه ها نقش عمده ای در موضعگیری آنها علیه مقاومت داشته است.

شعار «انحصار سلاح در دست دولت لبنان» در ظاهر در خواستی منطقی و درست به نظر می رسد، اما در واقع سخن حقی است با هدفی باطل زیرا دولت لبنان هرگز توان حمایت از حاکمیت و امنیت کشور در برابر دشمن خارجی را نداشته و ندارد. مقابله با دشمن خارجی یعنی رژیم صهیونیستی و بسط حاکمیت وحفظ یکپارچگی کشور وظیفه ارتش است اما ارتش لبنان را تعمدا ضعیف نگاه داشته اند و پیوسته مانع از اندارتش لبنان کنونی چیزی جز اسلحه فردی و تعدادی زره پوش در اختیار ندارد و هیچگاه نتوانسته در برابر تجاوزهای مکرر دشمن صهیونیستی به خاک و شهروندان برخیزد که اگر چنین بود شهروندان نیازی به تشکیل مقاومت نداشتند.

در دهه های ۶۰ و ۷۰ قرن گذشته که جنوب لبنان مکررا مورد حمله ارتش صهیونیستی قرار می گرفت و روستاهای شمیه نشین ویران می شد، امام موسی صدر پیوسته از دولت می خواست که ارتش را برای دفاع در مرز مستقر کند و در غیر این صورت به ساکنان روستاها و شهرهای جنوب اسلحه و آموزش بدهد تا در برابر دشمن مقاومت نمایند. و از آنجا که دولت به هیچ یک از این درخواست ها توجه نمی داد، امام موسی صدر با کمک دکتر مصطفی چمران و یاری گرفتن از دولت سوریه "أفواج مقاومت لبنان" یعنی همان جنبش "امل" را ایجاد کرد در آن سال ها پیسر جُمَیّل، بنیانگذار حزب فالانژیست می گفت: "قدرت لبنان در ضعفش است" بعدها عملا ثابت شد که این ضعف یا سیاست بیطرفی در مقاطعی منطقه ای مانع دست اندازی دشمن به لبنان نمی شود چرا که رژیم صهیونیستی به منابع و ثروت های لبنان نظر دارد و هرگز این کشور را به حال خود رها نمی کند. در چنین شرایطی بود که پس از اشغال لبنان در ۱۹۸۲ مقاومت حزب الله با کمک جمهوری اسلامی ایران در لبنان تشکیل شد و این مقاومت توانست در سال ۲۰۰۰ و سپس در ۲۰۰۶ ارتش صهیونیستی را شکست دهد. کاری که از ارتش ضعیف لبنان ساخته نبود. از ۴ آذر ماه سال گذشته که آتش بس در لبنان اعلام شده تا کنون حزب الله آتش بس را بطورکامل رعایت کرده در حالیکه ارتش اشغالگر هم عمده ویژه ها حمله های مکرر موشکی و پهپادی مرتبا آتش بس را نقض کرده و بیش از ۲۰۰ نفر از افراد وابسته به مقاومت را در خیابان ها و جاده ها به شهادت رسانیده است.

یک کمیته پنجگانه نیز به ریاست نماینده آمریکا مأمور نظارت وحفظ آتش بس بوده که هرگز به وظیفه خود عمل نکرده است. کنون خلاصه بر گه ارائه شده از سوی فرستاده آمریکا تام پاراک، این است که حزب الله خلع سلاح شود و پس از آن اسرائیل از جنوب لبنان عقب نشینی می کند و به عملیات خود در لبنان پایان میدهد و آمریکا نیز کمک های اقتصادی خود به لبنان را سرازیر می کند تا آسایش و رفاه در لبنان ایجاد شود. این پیشنهاد ظاهر جذابی دارد اما چه کسی می تواند به این وعده ها که هیچ تضمین اجرائی ندارد اعتماد نماید وبویژه که آمریکا و رژیم صهیونیستی کارنامه سیاهی در زمینه دروغگوئی و عهد شکنی دارند. حزب الله می گوید که مخالفتی با انحصار سلاح در دست دولت ندارد اما این امر باید در چارچوب تدوین یک استراتژی همه جانبه دفاعی باشد.

از نظر دوگانه شیعی یعنی جنبش امل و حزب الله که به نمایندگی از سوی کل جامعه تشیع لبنان سخن می گویند، ترتیب اولویت ها در شرایط کنونی باید چنین باشد: اعلام آتش بس شامل عقب نشینی ارتش صهیونیستی از نقاط اشغالی در جنوب لبنان و پایان دادن به عملیات نظامی، آغاز بازسازی خرابی های ناشی از جنگ و بازگشت آوارگان به خانه هایشان در روستاهای جنوب لبنان و سپس آغاز بحث برای تدوین یک استراتژی دفاعی با شرکت نیروها و اسلحه مقاومت و ارتش در چهارچوب حاکمیت دولت لبنان. این اولویت ها بسیار عقلانه و مطابق با امنیت و منافع ملی لبنان است اما واضح است که دشمنان آن را نمی پذیرند و دولت لبنان نیز توانائی واداشتن دشمن به پذیرش این رشته اولویت ها را ندارد.

اما برای مقاومت این تصویر واضح است که در فرض محال، اگر مقاومت اسلحه خود را تحویل دهد دشمن بلافاصله همان بلائی را بر سر جنوب لبنان می آورد که بر سر نوارغزه آورده است. از زاویه قانونی، با خروج وزیران شیعی از جلسه روز پنجشنبه کابینه به هنگام آغاز بررسی برگه آمریکا جلسه قانونیت خود برای اتخاذ تصمیم را از دست می دهد و تصمیم انحصار سلاح در دست دولت و تکلیف ارتش به تهیه طرح اجرائی باطل است زیرا طبق مقدمه قانون اساسی لبنان بر اساس موافقتنامه طائف-تولا مقاومت مشروعیت قانونی خود را دارد و ثانیا هرنوع تصمیمی از این نوع باید با حضور نمایندگان همه مؤلفه های ملت لبنان در اجلاس شورای وزیران اتخاذ گردد. اما مشاهده می شود که دولت نواف سلام و وزیرانی که از سفارت آمریکا در بیروت الهام می گیرند اهمیتی به مسائل قانونی نمی دهند. اکنون باید دید در آخر ماه اوت جاری چه طرح اجرائی به نام ارتش اعلام خواهد شد و چه برنامه سخت افزاری یا نرم افزاری برای نابودی مقاومت در پیش خواهند گرفت. این در حالی است که، به گفته شیخ نعیم قاسم، دبیرکل حزب الله، مقاومت خود را برای هر سناریوئی آماده کرده و اگر کارد به استخوان برسد دیگر هیچ حد و مرز و خط قرمزی را رعایت نخواهد کرد. تحولات مهمی در پیش است و چه بسا که لبنان در آتش یک جنگ داخلی ویرانگر فرو رود جنگی که ممکن است شعله های آن نقاطی در منطقه را نیز در بر گیرد.

محمدعلی مهتدی
alborz.payam@gmail.com

پیام آشنا گزارش می دهد

دالان زنگزور؛ نبرد بر سر توازن قدرت در همسایه شمالی

اختصاصی پیام آشنا – توافق اخیر میان باکو و ایروان با میانجیگری مستقیم آمریکا و در قالب پروژه «مسیر ترامپ»، نه پایان بحران قرهباغ که آغاز مرحله‌ای تازه از رقابت ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. حذف نقش سنتی روسیه، تثبیت حضور واشنگتن در مرزهای شمالی ایران و ابهام در مسائل بنیادین مناقشه، آینده قفقاز جنوبی را بیش از پیش به میدان کشمکش تبدیل می‌کند.

صلحی با ابهام‌های استراتژیک

اعلامیه صلح که با حضور الهام علی‌اف، نیکول پاشینیان و دونالد ترامپ در کاخ سفید منتشر شد، با وعده ایجاد «مسیر ترامپ برای صلح و شکوفایی بین‌المللی» (TRIPP)، کریدور زنگزور را تحت مدیریت آمریکا قرار می‌دهد. این اقدام، مدیریت بحران را از قالب‌های سنتی تحت نفوذ روسیه و گروه مینسک خارج و عملاً به واشنگتن واگذار می‌کند. سکوت بیانیه در موضوعاتی چون وضعیت نهایی قرهباغ یا حل اختلافات مرزی، فضای ابهامی ایجاد کرده که به تعبیر تحلیلگران، ابزاری برای حفظ اهرم فشار در آینده است.

اهداف آشکار و پنهان واشنگتن

واشنگتن در پروژه «مسیر ترامپ» دو لایه هدف را دنبال می‌کند:

۱. لایه آشکار – اتصال اقتصادی و نماد صلح‌سازی

آمریکا در ظاهر، این پروژه را با شعار «صلح، شکوفایی و اتصال منطقه‌ای» معرفی کرده و وعده داده که مسیر زنگزور به توسعه اقتصادی ارمنستان و آذربایجان کمک کند.

حضور شرکت‌های آمریکایی در حوزه انرژی و زیرساخت، مانند قرارداد اکسون‌موبیل با سوکار، این لایه را تقویت می‌کند و آن را در رسانه‌ها به‌عنوان فرصت اقتصادی تصویر می‌نماید.

۲. لایه پنهان – تغییر موازنه ژئوپلیتیکی

این گذرگاه در واقع یک گیره ژئوپلیتیکی است که دو هدف کلان دارد:

۱. تضعیف و عقب‌نشاندن روسیه از حیاط خلوت سنتی‌اش در قفقاز جنوبی، به‌ویژه پس از جنگ اوکراین که ظرفیت نظامی و دیپلماتیک مسکو را کاهش داده.

۲. قرار دادن یک محور نفوذ مستقیم آمریکا در مرزهای شمالی ایران، که می‌تواند بخشی از راهبرد فشار حداکثری علیه تهران باشد.

سابقه تاریخی نشان می‌دهد که ایالات متحده هرگاه یک گذرگاه یا مسیر استراتژیک را تحت کنترل بگیرد، آن را به ابزار نفوذ امنیتی و حتی اهرم فشار سیاسی در مذاکرات گسترده‌تر تبدیل می‌کند. زنگزور می‌تواند در آینده نه‌چندان دور به چنین ابزاری بدل شود.

واکنش و موضع ایران

ایران این پروژه را نه صرفاً یک مسیر ترانزیتی، بلکه تغییری بنیادین در ژئوپلیتیک منطقه می‌بیند که می‌تواند خطوط ارتباطی، توازن قدرت و حتی ساختار امنیتی شمال‌غرب کشور را دگرگون کند.

ابعاد امنیتی نگرانی تهران

مسیر زنگزور در عمل، یک گذرگاه بدون حضور ایران و روسیه را از خاک ارمنستان به نخجوان ایجاد می‌کند؛ این یعنی یک گسست در پیوستگی ارتباطی ایران با شمال قفقاز.

چنین تغییری، عمق استراتژیک ایران را در حوزه قفقاز کاهش داده و امکان نفوذ مستقیم ناتو و متحدانش به حریم ژئوپلیتیکی ایران را فراهم می‌کند.

موضع قاطع و استقلال عمل

اظهارات علی‌اکبر ولایتی که «ما روسیه یا بدون آن» مانع تغییرات خواهد شد، پیامی روشن دارد: ایران حاضر نیست دفاع از مرزها و موقعیت خود را مشروط به همکاری با قدرت‌های دیگر کند.

این موضع نشان می‌دهد که تهران به دنبال استراتژی بازدارندگی مستقل است و وابستگی به تصمیمات کرملین را پرهزینه می‌داند.

سابقه و ابزار بازدارندگی

ایران پیش‌تر در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ رزمایش‌های نظامی گسترده‌ای در منطقه ارس برگزار کرد که تمرین عبور از رودخانه و عملیات در عمق خاک دشمن را شامل می‌شد؛ این اقدامات نه‌تنها پیام به باکو، بلکه هشدار غیرمستقیم به هر قدرت فرامنطقه‌ای بوده است.

استفاده همزمان از دیپلماسی، حضور میدانی و ابزار اقتصادی، بخشی از رویکرد چندوجهی ایران برای مقابله با سناریوهای تغییر مرز یا مسیرهای استراتژیک است.

موانع داخلی و منطقه‌ای اجرای توافق

با وجود فضای تبلیغاتی پیرامون توافق، دو مانع اصلی همچنان پابرجاست:

۱. حذف قرهباغ از قانون اساسی ارمنستان که نیازمند همه‌پرسی است و با مخالفت ملی‌گرایان مواجه خواهد شد.

۲. تأمین مسیر به نخجوان بدون نظارت روسیه، که همواره محل اختلاف دو کشور بوده است.

در داخل ارمنستان، محبوبیت پایین پاشینیان و سابقه اعتراضات خیابانی، اجرای کامل توافق را با چالش روبه‌رو می‌کند. در سوی دیگر، اظهارات توسعه‌طلبانه علی‌اف درباره «آذربایجان غربی» بی‌اعتمادی ایروان را تشدید کرده و خطر بازگشت به تنش را افزایش می‌دهد.

دیدگاه ترکیه و شکاف‌های داخلی

آنکارا از این توافق به‌عنوان فرصتی برای عادی‌سازی روابط با ایروان یاد می‌کند، اما جریان‌هایی مانند حزب وطن ترکیه، پروژه زنگزور را بخشی از محاصره ژئوپلیتیکی آمریکا و اسرائیل علیه ترکیه می‌دانند. این دیدگاه هشدار می‌دهد که تهدید امنیت ایران در عمل به معنای تهدید امنیت ترکیه نیز هست و تنها راه‌حل، شکل‌گیری ائتلاز منطقه‌ای بدون حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای است.

پروژه «جاده ترامپ» بیش از آنکه مسیری برای صلح باشد، ابزاری برای تثبیت حضور بلندمدت آمریکا در یکی از حساس‌ترین نقاط ژئوپلیتیکی جهان است. حذف نقش روسیه، بی‌توجهی به منافع ایران و واگذاری مدیریت یک گذرگاه کلیدی به یک قدرت فرامنطقه‌ای، احتمال شکل‌گیری رقابت‌های جدید و حتی بازگشت بحران را افزایش می‌دهد.

آینده این توافق به توان طرف‌ها در حل مسائل بنیادین، مدیریت فشارهای داخلی و تعامل سازنده با بازیگران منطقه‌ای بستگی دارد؛ و در این میان، نقش فعال ایران در جلوگیری از تغییرات ژئوپلیتیکی یکجانبه، می‌تواند معادلات قفقاز جنوبی را برای سال‌های آینده تعیین کند.

رئیس کمیسیون عمران مجلس:

خط انتقال آب طالقان مهرماه به تهران و البرز می رسد

رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی گفت: با همکاری استاندار و وزارت نیرو، آب خط انتقال جدید آب طالقان مهرماه امسال به استان‌های تهران، البرز و قزوین می‌رسد.

به گزارش پیام آشنا، محمدرضا رضایی کوچی روز شنبه در حاشیه بازدید از تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به همراه وزیر نیرو از خط انتقال آب طالقان به استان البرز در جمع خبرنگاران اظهار کرد: با اجرای این طرح، بخشی از نیاز آبی این سه استان تأمین خواهد شد که می‌تواند نقش مهمی در مدیریت بحران کم‌آبی ایفا کند.

وی با اشاره به تداوم خشکسالی در کشور طی پنج سال اخیر افزود: در بسیاری از شهرها، در صورت نبود مدیریت صحیح منابع آبی، بحران کمبود آب جدی خواهد شد.

رئیس کمیسیون عمران مجلس با بیان اینکه نگاه به آب باید تغییر کند، گفت: براساس آمارها، حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد آب کشور در بخش کشاورزی مصرف می‌شود و بخش اندکی به صنعت و آب شرب اختصاص می‌یابد، بنابراین اجرای الگوی کشت و مدیریت بارگذاری‌های صنعتی و مسکونی متناسب با منابع آبی ضروری است.

رضایی کوچی ادامه داد: وزیر نیرو برنامه‌ای را پیش‌بینی کرده و مصوبه آن از دولت اخذ شده که به احتمال نیازمند حمایت مجلس است. بر این اساس، صدور مجوزهای کمیسیون ماده پنج و هرگونه بارگذاری جدید باید منوط به تأیید وزارت نیرو و وجود منابع آبی کافی باشد.

وی با تأکید بر بحران آب در تهران افزود: گزارش در کمیسیون عمران مجلس در حال تهیه است که ظرف ۲ هفته آینده در صحن علنی قرائت می‌شود. این گزارش شامل راهکارهایی برای پیشگیری از بحران خشکسالی و مدیریت بهینه مصرف است که در آن پیشنهاد شده با مصرف‌کنندگان پرمصرف یا بدمصرف برخورد متفاوت شود و مشترکان خوش‌مصرف مشوق‌هایی مانند تعرفه کمتر دریافت کنند.

رئیس کمیسیون عمران مجلس همچنین به اهمیت استفاده از پساب فاضلاب اشاره کرد و گفت: شهرداری‌ها باید چاه‌های آب شرب را به وزارت نیرو تحویل دهند تا این وزارتخانه بتواند آب شرب را تأمین کرده و در مقابل آب مورد نیاز فضاهای سبز و صنعت را از طریق پساب تأمین کند.

رضایی کوچی تصریح کرد: تلاش می‌کنیم گزارش جامعی به صحن مجلس ارائه دهیم تا الگویی برای برنامه‌ریزی وزارت نیرو باشد و از بروز بحران آب در سطح کشور جلوگیری شود.

رئیس کمیسیون امنیت ملی:

مذاکره به معنای عقب‌نشینی نیست

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی با اشاره به سابقه مذاکرات جمهوری اسلامی ایران، گفت: برخی مذاکره را به معنای عقب‌نشینی تلقی می‌کنند، در حالی که این نگاه ناامنیت است. ایران در تمام دوره‌ها با قدرت در مذاکرات حاضر شده و نشان داده که به اصول و موازین پایبند است اما طرف مقابل بارها تعهدات خود را نقض کرده است.

به گزارش پیام آشنا ابراهیم عزیزی یکشنبه در نشست خبری با خبرنگاران با تأکید بر اینکه ایران اسلامی هیچ‌گاه از گفت‌وگو و مذاکره هراسی نداشته است، افزود: ما نشان داده‌ایم طرف مقابل به تعهدات خود پایبند نیست و آمریکا میز مذاکره را ابزاری برای پیشبرد اهداف شیطانی خود می‌داند.

وی با تأکید بر اینکه ادامه گفت‌وگو ها منوط به پایبندی طرف مقابل به اصول مذاکره است، بیان کرد: هنوز زمان و مکان مشخصی برای دور جدید مذاکرات تعیین نشده و حتی ممکن است نتیجه بررسی ها این باشد که مذاکره بلاطرف غیرممکن جایز نباشد.

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، با تأکید بر اینکه اصل غنی‌سازی حق مسلم ملت ایران است، گفت: دیدگاه اصل غنی‌سازی هرگز مذاکره نخواهیم کرد اما درباره میزان و درصد غنی‌سازی می‌توان گفت‌وگو داشت.

عزیزی صنعت هسته‌ای را صنعتی حیاتی دانست که در حوزه‌هایی چون داروسازی، درمان، تولید آب‌شیرین‌کن‌ها، کشاورزی و دفع آفات کاربرد دارد و نباید این ظرفیت از ملت ایران گرفته شود.

وی با اشاره به اهمیت لغو تحریم‌ها برای انتفاع اقتصادی ملت، اظهار کرد: لغو تحریم‌ها بخشی مهم از منافع ملی است اما تجربه نشان داده که با یک جمله پیمان‌شکن مواجه هستیم و برای هر توافقی باید تضمین‌های پایدار و مقتدار الشعاع شود.

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، درباره موضوع کریدور زنگزور نیز تأکید کرد: جمهوری اسلامی ایران درهای از متافق ملی خود در این زمینه عدول ننخواهد کرد اما ابعاد مختلف این موضوع را در کمیسیون امنیت ملی مجلس بررسی خواهیم کرد. عزیزی در ادامه به موضوع همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اشاره کرد و افزود: قانون تعلیق همکاری با آژانس در واکنش به گزارش‌های خلاف واقع این نهاد تصویب شد، چرا که این گزارش‌ها عملاً زمینه حمله نظامی را فراهم کرده بودند.

وی ادامه داد: آژانس از مسیر حرفه‌ای خود خارج شده و گزارشی تلاش دارد ساختار آن را برای تحقق رویاهای خود تغییر دهد؛ بر این اساس، گزارسی و واژرسان آژانس به ایران نخواهند آمد و قرار است گفت‌وگوهایی برای رفع ابهامات احتمالی انجام شود.

وی با اشاره به وضعیت دفاعی کشور، آن را به مراتب بهتر و قوی‌تر از گذشته دانست و هشدار داد: اگر خطای محاسباتی دیگری از سوی دشمن رخ دهد، پاسخ ایران قاطع و شدیدتر کننده خواهد بود.

نماینده مردم شیراز و زرقان در مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: در نبرد ۱۲ روزه اخیر، ایران اسلامی از تمام ظرفیت‌های خود استفاده نکرد اما در صورت لزوم جهتی از آتش بر سر دشمنان فرود خواهد آمد.

عزیزی همچنین، مقابله با اقدام دشمن را از وظایف اصلی دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی دانست و گفت: همکاری مردم با این نهادها می‌تواند از بروز تفوذ جلوگیری کند. او تأکید کرد: سازمان‌های اطلاعاتی باید متافذ نفوذ را مسدود و دستگاه قضایی نیز با عوامل نفوذی خورد جدی داشته باشد.

حزب‌الله عراق:

مبارزه با تروریسم به مذاق آمریکا خوش نیامده است

گردان های حزب الله عراق از تلاش آمریکا برای خدشه دار کردن وجهه این نیروها و اتهام زنی علیه آنها خبر داد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از روسیا الیوم، گردان‌های حزب الله عراق دیروز یکشنبه با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که نتایج تحقیقات صورت گرفته در خصوص درگیری‌های الـدوره واقع در جنوب بغداد و اتهام زنی‌ها علیه این گردان‌ها را رد می‌کند. در این بیانیه آمده است که گردان‌های حزب الله عراق مانند سدی مستحکم از حاکمیت و کرامت ملت این کشور از زمان اشـغال عراق توسـط آمریکایی‌هـا دفاع می‌کند. این فداکاری‌ها تا زمان مبارزه با داعش ادامه داشـته به طوری که بیش از چهار هزار شهید و زخمی در میان این نیروها برجای مانده‌است.

در ادامه این بیانیه تصریح شده است، همین اقدامات است که به مذاق دشمن آمریکایی خوش نمی‌آید. آنها طی سال‌های گذشته شـروع به اتهام زنی و خدشـه دار کردن وجهه نیروهای عراقی کرده‌اند. سخنان سفیر انگلیس طی روز گذشته و نقشه‌های دشمن امروزه به دست برخی جریان‌های عراقی و بر اثر فشارهای داخلی در حال انجام است. آخرین نمونه آن، اعمال فشـار بر کمیته بررسـی حادثه صورت گرفته در بغداد به شمار می‌رود. گردان‌های حزب الله، هرگز از خواسـته‌های خود مبنی بر بیرون راندن اشغالگران آمریکایی عقب‌نشینی نخواهد کرد. سـرکشوری فرمانده کل نیروهای مسلح عراق روز گذشته مدعی شد که نتایج تحقیقات صورت گرفته نشـان می‌دهد درگیری‌های منطقه الدوره در ۲۷ ژوئیه گذشته از سوی نیروهای گردان‌های حزب الله عراق آغاز شده بود.

یادداشت

فریاد غزه و خروج از مارپیچ سکوت

آنچه این روزها از غزه به جهان منتقل می‌شود، برخلاف آن چیزی است که در جریان اصلی رسانه (Mainstream Media) در جریان است. در طول قرن گذشته، تضاد میان روایت‌های رسانه‌های جریان اصلی و فضای اجتماعی (شامل جنبش‌های مردمی، نشریات مستقل و ارتباطات غیررسمی) در چندین مقطع تاریخی به‌وضوح مشاهده شده و در هر مورد هم این ملت‌ها بوده‌اند که نبرد با صاحبان رسانه‌های اصلی را برده‌اند. به‌جز غزه سه مورد از مهم‌ترین رخدادهای قرن گذشته را مرور کردهایم.

جنگ ویتنام: جنگ ویتنام (۱۹۷۵–۱۹۵۵) نتیجه مداخله ایالات متحده برای جلوگیری از گسترش کمونیسم در جنوب شرقی آسیا بود. پس از حادثه خلیج تونکین در سال ۱۹۶۴ که بهانه‌ای برای افزایش حضور نظامی آمریکا شد، دولت ایالات متحده حمایت گسترده‌ای از جنگ را دنبال کرد. رسانه‌های جریان اصلی مانند نیویورک تایمز، واشنگتن پست و شبکه‌های تلویزیونی بزرگ مانند سی‌بی‌اس و ان‌بی‌سی، در سال‌های اولیه، گزارش‌های خود را براساس اطلاعات رسمی پنتاگون و کاخ سفید تنظیم می‌کردند. این رسانه‌ها بر تهدید کمونیسم تمرکز داشتند و عملیات نظامی آمریکا را به‌عنوان تلاشی برای حفظ دموکراسی در ویتنام جنوبی توجیه می‌کردند. گزارش‌هایی درباره موفقیت‌های نظامی، مانند تعداد دشمنان کشته‌شده یا عملیات به‌یمران، اغلب بدون بررسی عمیق منتشر می‌شدند. با این حال، از اواخر دهه ۱۹۶۰، برخی روزنامه‌نگاران مانند والتر کرون‌کایت از سی‌بی‌اس رویکرد انتقادی‌تری اتخاذ کردند. گزارش او در سال ۱۹۶۸ که جنگ را بن‌بست خواند، نقطه عطفی در پوشش رسانه‌ای بود در مقابل، جنبش‌های ضدجنگ از اواسط دهه ۱۹۶۰ فعالیت گرفتند. دانشجویان، روشنفکران و فعالان حقوق مدنی از طریق تظاهرات گسترده، مانند راهپیمایی واشنگتن در سال ۱۹۶۷ با حضور بیش از ۱۰۰ هزار نفر و نشریات زیرزمینی مانند The Village Voice یا جزوات دانشجویی، روایتی متفاوت ارائه دادند. افشاگری‌هایی مانند انتشار اسناد پنتاگون در سال ۱۹۷۱ توسط نیویورک تایمز و واشنگتن پست که نشان‌دهنده پنهان‌کاری دولت بود، به این جنبش قدرت بیشتری بخشید. تصاویر تکان‌دهنده‌ای مانند عکس «دختر ناپالم» (۱۹۷۲) توسط نیک اوت که کودکی را در حال فرار از بمباران ناپالم نشان می‌داد، احساسات عمومی را برانگیخت و فشار اجتماعی را بر رسانه‌های جریان اصلی افزایش داد. این جنبش‌های اجتماعی به‌تدریج روایت رسمی را به چالش کشیدند و به خروج آمریکا از ویتنام در سال ۱۹۷۳ کمک کردند.

جنبش حقوق مدنی در آمریکا: جنبش حقوق مدنی در آمریکا برای پایان دادن به تبعیض نژادی و دستیابی به برابری برای آفریقایی تبارها شکل گرفت. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، تبعیض نژادی در جنوب آمریکا قانونی بود و قوانین جیم کرو جدایی نژادی را در اماکن عمومی تحمیل می‌کرد. رسانه‌های جریان اصلی، به‌ویژه در جنوب، اغلب از این سنظام حمایت کرده یا به‌صورت محافظه‌کارانه از تغییر وضعیت موجود خودداری می‌کردند. روزنامه‌های محلی در ایالت‌های جنوبی، مانند آلاباما و حتی برخی رسانه‌های ملی، اعتراضات اولیه را به‌عنوان اقدامات تندرو یا غیرقانونی نشان می‌دادند. برای مثال، پوشش اولیه تظاهرات مونتگمری (۱۹۵۶–۱۹۵۵) در بسیاری از رسانه‌ها منفی بود و معترضان را مخل نظم عمومی معرفی می‌کرد. با این حال، جنبش‌های مردمی از طریق راهپیمایی‌ها، تحریم‌ها و سخنرانی‌های رهبرانی مانند مارتین لوتر کینگ جونیور قدرت گرفتند. تحریم اتوبوس مونتگمری که پس از دستگیری رزا پارکس در سال ۱۹۵۵ آغاز شد، نمونه‌ای از سازمان‌دهی اجتماعی بود که از طریق کلیساها و ارتباطات محلی هماهنگ شد. سخنرانی «رؤیایی دارم» کینگ در راهپیمایی واشنگتن در سال ۱۹۶۳، با حضور بیش از ۲۵۰ هزار نفر، توجه جهانی را جلب کرد. نشریات کوچک، اعلامیه‌ها و گزارش‌های مستقل نیز نقش مهمی در انتشار پیام جنبش داشتند. تصاویر خشونت پلیس علیه معترضان، مانند حمله به راهپیمایان در سلما (۱۹۶۵) که در تلویزیون پخش شد، افکار عمومی را تغییر داد و رسانه‌های جریان اصلی را وادار کرد پوشش مثبت‌تری ارائه دهند. این فشار اجتماعی به تصویب قوانین کلیدی مانند قانون حقوق مدنی ۱۹۶۴ و قانون حق رأی ۱۹۶۵ منجر شد.

انقلاب اسلامی ایران: انقلاب ایران (۱۹۷۹–۱۹۷۸) به سرنگونی رژیم پهلوی و تأسیس جمهوری اسلامی منجر شد. در دهه ۱۹۷۰، رژیم پهلوی از حمایت کشورهای غربی، به‌ویژه ایالات متحده برخوردار بود. رسانه‌های غربی مانند تایم و بی‌بی‌سی، در ابتدا از رژیم حمایت کرده و انقلاب را نادیده می‌گرفتند یا به‌عنوان حرکتی تندرو و غیرمنطقی نشان می‌دادند. در داخل ایران، رسانه‌های رسمی تحت کنترل دولت، مانند رادیو و تلویزیون ملی، روایتی مثبت از رژیم ارائه داده و اصلاحات محمدرضا شاه، مانند انقلاب سفید را تبلیغ می‌کردند. این رسانه‌ها اعتراضات مردمی را کم‌اهمیت جلوه داده یا به عوامل خارجی نسبت می‌دادند. در مقابل، فضای اجتماعی از طریق سخنرانی‌های مذهبی، نوارهای کاست حاوی پیام‌های امام خمینی(ره) و اعلامیه‌های مخفیانه سازمان‌دهی شد. مساجد و شبکه‌های مذهبی به‌عنوان مراکز هماهنگی عمل می‌کردند. تظاهرات گسترده، مانند اعتراضات محرم ۱۹۷۸ و اعتصابات سراسری، به‌ویژه در صنعت نفت، قدرت جنبش مردمی را نشان داد. تصاویر سرکوب معترضان توسط رژیم که به‌صورت غیررسمی منتشر می‌شد، خشم عمومی را برانگیخت. این جریان اجتماعی چنان قدرتمند بود که رسانه‌های رسمی و خارجی را به حاشیه راند و در نهایت به پیروزی انقلاب در فوریه ۱۹۷۹ منجر شد.

این نمونه‌ها نشان می‌دهند هنگامی که رسانه‌های جریان اصلی تحت کنترل دولت‌ها یا منافع خاص قرار دارند، فضای اجتماعی می‌تواند از طریق کانال‌های غیررسمی روایت‌های جایگزین را تقویت کند. در عصر حاضر، رسانه‌های اجتماعی این روند را تسریع کرده‌اند و نمونه‌هایی مانند حمایت از فلسطین در فضای دیجیتال، شباهت‌هایی با این الگوهای تاریخی دارند. این تقابل نقش مهمی در شکل‌گیری افکار عمومی و تحولات اجتماعی ایفا کرده‌است.

مهدی زارع
alborz.payam@gmail.com